



بلندمدت می‌کنیم و معتقدم باید دسته‌جمعی به نتیجه دلخواه برسیم و تئاتر هنری کاملاً گروهی است و انفرادی نمی‌توان کار کرد. همه اعضای یک گروه از طراحان و افراد پشت‌صحنه تا کسانی که روی صحنه بازی می‌کنند و دیده می‌شوند، تلاش می‌کنند نتیجه کار خوب از آب دربیاید. بنابراین مجموعه‌ای از افراد یک نمایش فارغ از اسم و رسم، کسانی هستند که من بر مبنای نیاز دراماتیک نمایش آن‌ها را انتخاب می‌کنم و باعث افتخار است که باهم همکاری می‌کنیم.

با توجه به سال‌ها تجربه کارگردانی یکی از ویژگی‌های کاری شما این است که هدایت شدن بازیگران تان به خوبی در آثار تان ملموس است و وقتی نمایشی از شما روی صحنه می‌رود حضور کارگردان و تخصص او را به خوبی می‌توان فهمید. آیا این ویژگی و شیوه هدایت بازیگران برآمده از معلم بودن شماست؟

فکر می‌کنم بخشی زیادی از این ویژگی که شما عنوان کردید تحت تاثیر سال‌ها معلمی در حوزه بازیگری است. فکر می‌کنم حدود ۲۴ سال است بازیگری درس می‌دهم و خیلی خوشحالم بسیاری از هنرمندانی که در حوزه بازیگری در تئاتر و سینما مشغول هستند روزی فصل مشترکی را باهم گذرانده‌ایم. اگر کارگردانی بتواند همکاری دقیقی با بازیگرانش داشته باشد این ویژگی او تبدیل به نکته بسیار مثبتی در عملکردش می‌شود. در نهایت باید یادمان باشد بازیگر، سلطان صحنه است و وقتی نمایش آغاز می‌شود کارگردان کنار می‌رود و مهم است که دقیقاً آنچه در تمرینات به دست آمده را نمایش دهند. تئاتر هنر بسیار جدی و دشوار است به این دلیل که با روح و جان انسان ارتباط دارد و او را درگیر می‌کند بنابراین باید خیلی مرامت کشید و تلاش کرد تا به نقطه مورد نظر رسید. اصولاً رابطه بازیگر و کارگردان مثل آیین است؛ آیینی که باید به صورت مشترک انجام شود، از نقطه شروع به پایان برسند و مسیر درست طی شود تا اثری متفاوت هم به وجود بیاید.

با توجه به این که شما از «مرغ دریایی» اقتباسی انجام داده‌اید، چرا نام اقتباس خودتان را «مرغ دریایی من» گذاشتید و حالا که اثر به استقلال و هویت جدید دست پیدا کرده، عنوان تازه‌ای برایش انتخاب نکردید تا بیشتر تازگی آن احساس شود؟ لزومی نمی‌دیدم که چنین کاری را انجام دهم و برایم مهم بود همه کسانی که مخاطب نمایشم می‌شوند بدانند این اثر براساس «مرغ دریایی» نوشته آنتوان چخوف نوشته شده است. در آثار کارگردانان بزرگ از این نوع کارها زیاد است و من هم وقتی «هملت» نوشته شکسپیر را با همین شیوه و به صورت اقتباسی اجرا کردم اسم «هملت، تهران ۲۰۱۷» را برایش انتخاب کردم. «مرغ دریایی» را نمی‌توان تغییر داد و حیث بود که اسمش را عوض کنم، بنابراین پسوندی در ادامه این اسم گذاشتم تا فقط نشان بدهم که این اثر، اقتباسی است.

انسان‌هایی هستیم نابودا ما خراب شده‌ایم، ما گم شده‌ایم. من هم فکر می‌کنم واقعا انسان معاصر گم شده است.

در نمایشنامه «مرغ دریایی» آنتوان چخوف محوریت اصلی پوچی، روزمرگی و عشق و ناکامی‌های آن است. شما فکر می‌کنید چنین دغدغه‌هایی در جامعه امروز ما چقدر همه‌گیر شده و در نمایش شما چه جایگاهی داشته است؟

فکر می‌کنم بیش از روزمرگی، عشق‌ها و ناکامی‌های عاشقانه برای من پررنگ‌تر است. همین دغدغه در «مرغ دریایی من» و در نوشته اصلی چخوف وجود دارد و نشان می‌دهد که انسان چقدر موجود تنهایی است! آنچه پس از چهار سال تحقیق برای من روشن شد این بود که می‌گفتند این نمایشنامه آنتوان چخوف کامل نیست و همیشه فکر می‌کردم چرا چنین چیزی می‌گویند و چرا وقتی استانیسلاوسکی برای اولین بار این اثر را به صحنه برد، با شکست مواجه شد؟ او بار دوم در اجرا به موفقیتی نسبی دست پیدا کرد، اما می‌گفت این نمایشنامه باید دوباره نوشته شود. در مسیر تحقیقاتم فهمیدم که چخوف تحت تاثیر «هملت» نوشته شکسپیر، نمایشنامه «مرغ دریایی» را نوشته است. طبیعتاً تحقیق بیشتری کردم و تفاوت‌ها و تشابهات را در نظر داشتم و خاطراتی که استانیسلاوسکی نوشته بود را خواندم تا کشف کنم قرار بوده چه اتفاقی در اثر رخ بدهد. بیشتر به فقدان‌های دراماتیک متن توجه کردم و بیشتر روی آن متمرکز شدم.

شما با توجه به سابقه تدریس در حوزه تئاتر و بازیگری، چقدر از این افراد و شاگردانتان در نمایش‌هایی که به صحنه می‌برید استفاده می‌کنید و آن‌ها را در کنار چهره‌های مطرحی که در نمایش تان بازی می‌کنند قرار می‌دهید؟

شاید نظر من نسبت به این مقوله با دیگران تفاوت داشته باشد. همه افرادی که در تئاتر فعالیت می‌کنند دوستان عزیز من هستند و برخی از آن‌ها هم کلاسی‌هایم بودند که امروز استاد شده‌اند و بعدها هم این افتخار را داشتم که در دانشگاه آزاد یا در موسسات مختلف مثل «کارنامه»، «آمین تاریخ»، «بامداد» و... شاگردانی داشته باشم که حالا همکاران من شده‌اند. دوست ندارم افرادی که در حوزه تئاتر هستند را تقسیم‌بندی کنم و به نظرم همه آن‌ها زحمت می‌کنند و جایگاه خودشان را دارند. برخی از چهره‌های نمایش «مرغ دریایی من» با این که جوان هستند در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی خوبی بازی کرده‌اند و تجربه دارند. اگر به گذشته هم نگاه کنید می‌بینید که من در مسیر کارم همیشه نسبت به حضور افراد تازه‌کار و حرفه‌ای در آثارم توجه ویژه دارم و براساس اقتضای شخصیت نمایش، افراد را برای همکاری دعوت می‌کنم و این افتخار را داشته‌ام که از بازیگران مطرح تا بازیگران جوان در کارم حضور پیدا کنند.

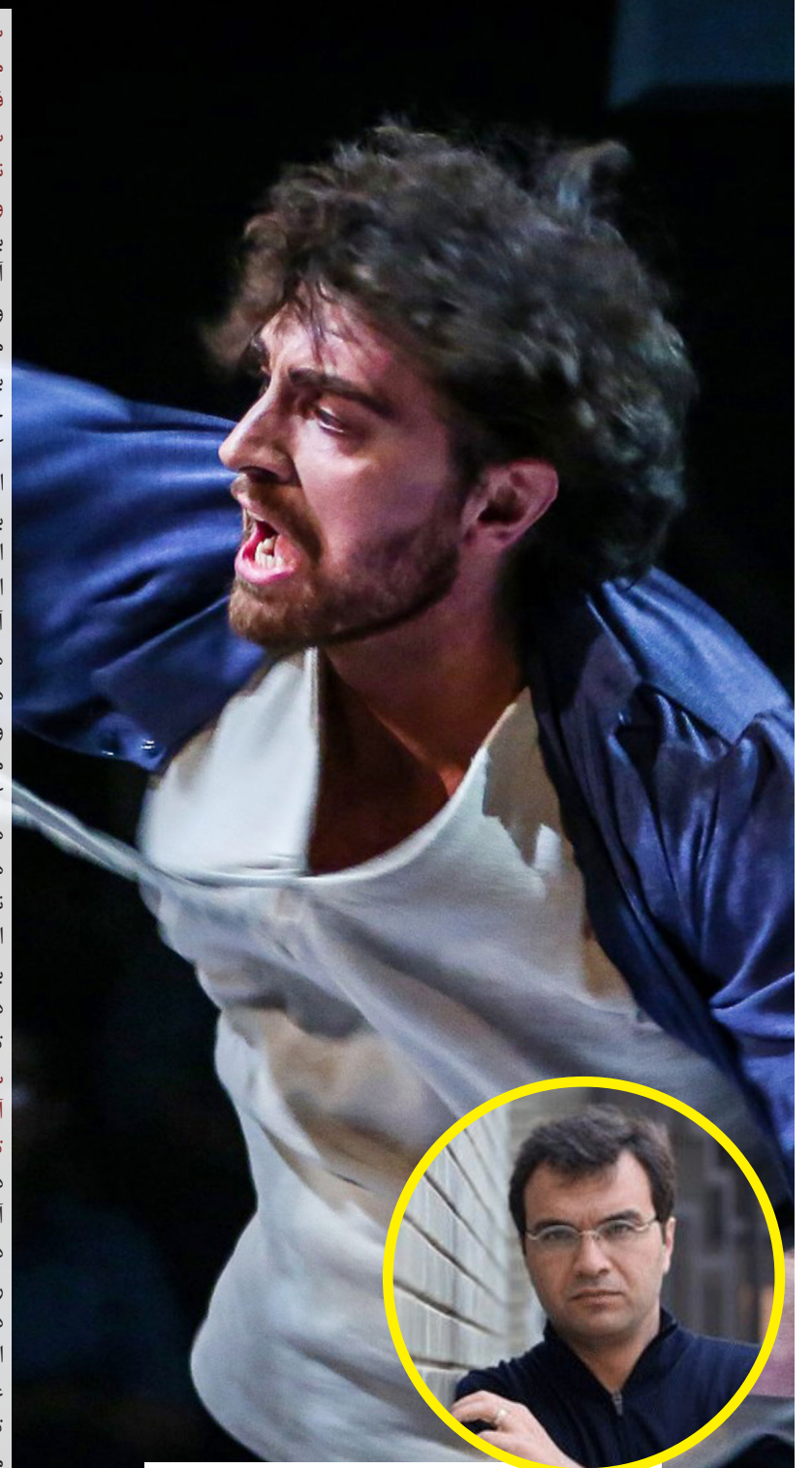
کمپانی تئاتر «امید ایران» همیشه سعی کرده خیلی تخصصی به حوزه تئاتر توجه داشته باشد و دغدغه‌مند عمل کند. ما همیشه تمرین‌های

شما نمایش «مرغ دریایی من» را براساس اثر معروفی از چخوف با نام «مرغ دریایی» نوشته‌اید. فکر می‌کنید چقدر لازم است تماشاگری که اثر شما را می‌بیند با متن اصلی آشنا باشد و نمایش نسبت به نوشته چخوف، چقدر استقلال و تازگی در وجوه برخوردار است؟

بخش زیادی از تماشاگران ما افرادی هستند که آثاری مثل «مرغ دریایی» چخوف و... را خوانده‌اند و من سعی کردم قصه را به صورتی روایت کنم که مخاطب عادی نیازی به دانستن متن اصلی نداشته باشد. بخش مهمی از تئاتر تحقیق و پژوهش در حوزه اثری است که قرار است تولید شود. یکی از کارهایی که کارگردانان بزرگ انجام می‌دهند و من امیدوارم به این درجه برسم، نگاه دقیق و اجمالی به آثار بزرگ و ماندگار است که در تاریخ تئاتر از اهمیت زیادی برخوردار هستند. ضمن این که این مقوله همراه می‌شود با نگاه و دید هنرمند به آن آثار شاخص. شاید در تمام دنیا در طول سال هزاران نمایش با عنوان «مرغ دریایی» اجرا شود و هر کس براساس فکر، فلسفه، منظر جامعه‌شناختی و فضایی که در آن زیست می‌کند به اثر برخورد می‌کند. فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین مسائلی که شاهد دست و پا زدن جامعه در مواجهه با آن هستیم، یافتن خوشبختی و عشق است، اتفاقاً به همین دلیل سراغ چنین متنی برای اجرا رفتم. نیازها در زندگی اجتماعی، هنری و سیاسی هنرمند او را به این نقطه می‌رساند که به سمت آثار هنری برود. این نوع تئاتر می‌خواهد با اشتراک‌گذاری دغدغه‌های جامعه، شکل دیگری از رابطه را بین تماشاگر و اثر هنری و خودش ایجاد کند.

شما جزو آن دسته از هنرمندانی هستید که در خلق آثار هنری تان به هم‌سوئی آن با شرایط روز اجتماع توجه دارید؟

دقیقاً همین‌طور است و همه بزرگانی که من از آن‌ها درس یاد گرفتم مثل بهرام بیضایی، محمود دولت‌آبادی، جمال میرصادقی، هوشنگ آزادی‌ور، رکن‌الدین خسروی و... همین نکته را به من یاد دادند و معتقد بودند هنرمند باید در هر مقطعی از کارش نگاه تاثیرگذار داشته باشد و پژوهشی عمل کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنرمند تاثیرگذار بر اجتماع و جریان‌های جامعه است. من همیشه دوست داشته‌ام به این مهم دست پیدا کنم و تلاش می‌کنم در آثار انتخابی و هر چه می‌نویسم در این بخش بندی قرار بگیرند. تئاتر از نگاه من صرفاً تفنن و سرگرمی نیست البته که بخشی از آن تفریح است، اما بخش مهم‌تر آن با ادبیات، فلسفه، علوم اجتماعی، تاریخ هنر و... سر و کار دارد. تئاتر می‌تواند مخاطبانش را عمیقاً تحت تاثیر قرار دهد و پیش‌نهاد چشمی و گوشی خوبی داشته باشد؛ منظوری آرایه چیزهای تازه و متفاوت به مخاطب است. در نمایش «مرغ دریایی من» همین هدف را دنبال می‌کنم و وقتی تصمیم گرفتم این نمایش را به صحنه ببرم یکی از سوالاتی که ذهن خودم را درگیر کرد همین بود که چرا این اثر را انتخاب کردم؟ در بخشی از نمایش گفته می‌شود ما



کیومرث مرادی؛ کارگردان «مرغ دریایی من»

از این نمایش به «صبا» می‌گوید

در جست و جوی عشق‌های از دست رفته!

انسان چقدر موجود تنهایی است!

فاطمه رستمی

گفت‌وگو

نمایشنامه «مرغ دریایی» یکی از شخصی‌ترین آثار چخوف است و در عین حال نقطه عطفی در زندگی او به‌شمار می‌رود و قطعاً بهترین و مشهورترین نمایشنامه این داستان‌نویس چیره‌دست روس نیز هست. کیومرث مرادی با اقتباس از این اثر مشهور، نمایشنامه «مرغ دریایی من» را نوشته و کارگردانی کرده است و با بازی شبنم مقدمی، امیرحسین فتحی، زهرا بهروزمنش، رضا داوودوندی، پانته‌آ قدیریان، وحید رزاقی، آرمیتا فروزنده، محمد مسگری، محیا صدرزاده، محمد حبیبی، بهزاد خلج در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایران شهر روی صحنه است. با کیومرث مرادی در مورد این تجربه تازه‌اش گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.